

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پایان غم‌انگیز یک مراسم خوشی؛ داماد و عروسی که خون گریه می کنند



در حالی که عروس در یک گوشه بی خانه مبهوت و کرخت مانده است و حتا نمی تواند بگیرد، داماد اما چشمانش پر اشک است و اندکی رمق برای گفت و گو با ما دارد.

میرویس که پس از سال‌ها کار در یک خیاطی در کابل، توانست پول برگزاری مراسم عروسی‌اش را آماده کند، شب‌گذشته با شوق و ولع وصف ناپذیری لباس دامادی‌اش را پوشید و به مراسم نکاح حضور یافت. اما انفجار در داخل تالار عروسی در بخش مردانه، به یکباره گی همه چیز را تغییر داد؛ حتا فرصت نداد مراسم نکاحش با رویینا به آخر برسد.

میرویس، می‌گوید پس از این انفجار، روشنی تالار عروسی به تاریکی وحشتناکی مبدل شد و او سرآسیمه بدنبال اعضای فامیل و دوستانش برآمد: «دو ساعت بعد، من خوش و خوشحال میامدم، اما در همان دو ساعت، زد زنده‌گی مرا کلش را - اگر یک روز زنده‌گی داشته باشیم یا ده روز داشته باشیم - در یک ثانیه خلاص کرد؛ با کسی دشمنی نداشتیم. زندگی ما را تباه کردند».



میرویس، بیست و شش سال عمر دارد و خیاط است.

در این رویداد که حوالی ساعت ده شب گذشته (شنبه، ۲۶ اسد) رخ داد، در آن ۶۳ تن جان باختند و ۱۸۲ تن دیگر زخمی شده‌اند.

در این رویداد چندین تن از نزدیکان و دوستان میرویس نیز جان باختند؛ اما بخت با میرویس و تازه عروس یار بود و آن‌ها توانستند از این حمله جان سالم بدر ببرند.

میرویس بیست و شش سال دارد و تازه عروسش، رویینا، هژده ساله است. این دو، برای بیش از هفت ماه نامزد بودند: «پاهایم سستی می‌کند که بروم بگویم خاله یا ماما یا پدر، من بچہات می‌شوم. می‌گویم همین حالا مرا بگیرند توتہ توتہ ام کنند؛ تا دلتان یخ کند، اما یخ نمی‌شه دل شان، سرد نمی‌شه دل شان.»



میرویس و رویینا برای بیش از هفت ماه نامزد بودند.

این تازه داماد، می‌گوید که هرگز گمان نمی‌کرد در شبی که قرار بود خوش‌ترین شب زنده‌گی‌اش باشد، غم همیشه‌گی به سراغش خواهد آمد: «من برادرخوانده‌ام را از دست دادم، دوستانم را که از برادرم نزدیک بودند، از دست دادم، اقوامم را از دست دادم؛ من هیچ وقتی خوشی را در زنده‌گی خود نخواهم دید. هرچه تلاش کنم، نمی‌توانم فکرم را به جای دیگری ببرم.»

بستگان میرویس، حکومت را در تأمین امنیت شهروندان ناکام می‌دانند و از نهادهای امنیتی می‌خواهند که در تأمین امنیت مردم بیشتر توجه کنند.

بصیر، برادر میرویس گفت: «یک‌بار صدا بلند شد؛ وقتی دیدم، هیچ‌کسی [از دوستان و رفیقانم] نیستند؛ هیچ درک شان نیست؛ تمام شان مثل برادرم استند.»

محمد عارف، برادر دیگر میرویس نیز افزود: «با صد مشکلات پول قرض کردم؛ از این طرف و از آن طرف تا این معامله [عروسی] برگزار شود، ما آن را هم زدند به خون کشیدند.»

روینا هنوز نمی‌داند که از یک برادرش هیچ خبری نیست، اما پس از چاشت امروز برای پدرش خبر رسید که پسر یازده ساله‌اش نیز جان باخته است.



غلام محمد، پدر عروس پس از چاشت امروز خبر شد که پسرش نیز جان باخته است.

غلام محمد، پدر عروس بیان داشت: «حکومت در کجاست؟ کو حکومت؟ این حکومت است؟ حکومت امی رنگ می‌باشد؟»

با این همه میرویس و روینا، زنده‌گی مشترک شان را آغاز کرده‌اند و قرار است زنده‌گی شان را با خاطره تلخی که از شب عروسی شان برای شان مانده است ادامه دهند.

منبع: طلوع نیوز – یکشنبه ۱۸ اگست ۲۰۱۹